

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: داوود جلیلی
فرستنده: نسترن نصرتی
۲۷ می ۲۰۲۳

اسرار برای این وجود دارند که افشاء شوند؛ چرا جولیان آسانژ پیشگام آزادی مطبوعات جهان است



«اسرار برای این وجود دارند که افشاء شوند. همه اطلاعات محرمانه ماهیت افشاپذیری و در اختیار شهروندان قرار گرفتن را دارند. مدعیان دموکراسی و رهبران سیاسی نباید چیزی را پنهان کنند. دموکراسی ها مطلقاً نباید بیمی از انتشار "اطلاعات نشأت کرده" داشته باشند. جولیان آسانژ

ما روز آزادی مطبوعات را در ماه می به عنوان یادآوری این که نقش سازمان های خبری گفتن حقیقت به قدرت است - به کلام معروف چامسکی- نه ایجاد رضایت برای دولت و طبقه های حاکم گرامی می داریم .
این ماه فرصتی است که از سه نفری که با تجربه خود ضرورت سخن گفتن از حقیقت را نشان دادند یاد کنیم: دانیل السبرگ اوراق معروف پنتاگون و جولیان آسانژ ویکی لیکس، و نیز چلسی مننینگ، بدون آن ها ما نمی توانستیم علت آن چه را که ایالات متحده، نه تنها در عراق و افغانستان، بلکه در سراسر جهان انجام می دهد بدانیم. با انجام این کار، من به ماهیت متغیر "رازهای" دولت، چیزی که آن زمان و اکنون معنای آن ها را روشن می کند هم خواهیم پرداخت.

امروزه و درجهان، درست همان طور که مقیاس قدرت دولت برای فضولی در زندگی و فعالیت های ما به صورت نمایی افزایش یافته است- برای مثال جمع آوری ارتباطات اینترنتی از سوی سازمان امنیت ملی امریکا و ابزار جاسوسی سایبری اسرائیل- افشاگری هاهم با همین مقیاس افزایش یافته اند. اوراق پنتاگون السبرگ بیش از ۷۰۰۰ صفحه بود و به صورت دستی از آن ها نسخه برداری شده بود(دانی السبرگ، ماشین روز رستاخیز، اعتراف های یک برنامه ریز جنگ هسته ئی). “اوراق ” جلسی منینگ، که آسانژ به قیمت دشمنی دولت امریکا آن ها را منتشر کرد، شامل حدود ۷۵۰۰۰۰ سند بود (گزارش های جنگ عراق، گزارش های جنگ افغانستان و تلگراف های دیپلماتیک امریکا). منینگ از کامپیوتر خود برای کپی کردن این مخزن عظیم داده ها استفاده کرد. السبرگ یکی از بالاترین مجوزهای امنیتی را در دولت امریکا داشت. تصور می شود اسنودن، که یک مدیر سیستم بود، بیش از یک میلیون سند سازمان امنیت ملی امریکا را خارج کرده باشد .

منینگ درصوف ارتش درجه پائینی داشت و صرفاً یک سرجوخه بود. آسانژ یکی از مشخصه های کلیدی دوران ما یعنی انقلاب دیجیتال به معنای تمرکز عظیم اطلاعات و آسان بودن انتشار آن را شناخته بود. استوارت براند، نویسنده، در کنفرانسی در سال ۱۹۸۴، در مصاحبه ای با استو ورنیاک، همکار بنیان گذار آپل این دوگانگی اطلاعات در عصر دیجیتال را مطرح کرده بود: تمرکز اطلاعات به نحوی که برای حاکمان بسیار ارزشمند است. و نیز سهولت نسخه برداری از آن و بنابراین آزاد کردن این اطلاعات از دست حاکمان. آسانژ به همین دلیل ویکی لیکس را تأسیس کرد. افرادی که به این اطلاعات ارزشمند نگهداری شده در سردابه های “امن” دولت دسترسی دارند می توانند آن ها را از طریق ویکی لیکس در اختیار مردم قرار دهند. هم استفاده قدرت از فن آوری های دیجیتال و هم توانایی فن آوری ها برای تولید کپی اما برای هدفی کاملاً متفاوت.

در سال ۱۹۷۱، اندکی بیش از ۵۰ سال پیش دانیل السبرگ پژوهشی انجام شده از سوی وزارت دفاع امریکا – اوراق پنتاگون- درباره جنگ ویتنام را در نیویورک تایمز و سپس در دیگر سازمان های خبری افشاء کرد. جنبش ضد جنگ ویتنام، که در آن زمان در امریکا گسترده شده بود، و در سراسر جهان تأثیر آبخاری برنسل من داشت، السبرگ را به یک رادیکال تبدیل کرده بود. همان طور که بسیاری از ما را هم در سراسر جهان رادیکال کرده بود که علیه امریکا و جنگ آن تظاهرات می کردیم. جنگ ویتنام امپراتوری امریکا را بی اعتبار و نسل رادیکالی تولید کرد که دانیل السبرگ عضو سر بلند آن نسل بود.

اوراق پنتاگون با جزئیات افشاء کرد که چرا جنگ ویتنام محکوم به شکست بود و چرا مردم ویتنام توانستند دولت دست نشاندۀ نو استعماری نگودین دیم مورد حمایت امریکا در ویتنام جنوبی را شکست دهند. با آن که پژوهش در سال ۱۹۶۸ کامل شده بود اما نشان می داد که امریکا نمی تواند برنده جنگ باشد، با این حال امریکا جنگ زمینی و هوایی علیه نیروهای آزادیبخش ویتنام جنوبی را تا بمباران هوایی ویتنام شمالی و نیز کامبوج گسترش داده بود. السبرگ اعتقاد داشت که اگر افکار عمومی امریکا حقیقت را درباره جنگ ویتنام بدانند، می تواند به توقف جنگ یاری رساند. به همین خاطر او و آنتونی روسو، همکار پیشین او، اوراق پنتاگون را با روزنامه ها به اشتراک گذاشتند. او باور داشت، مردم امریکا، حق دارند درباره جنگی که به نام آن ها به راه انداخته شده است بدانند.

افشاء اوراق پنتاگون به جنبش ضد جنگ کمک کرد اما نتوانست جنگ را متوقف کند. جنگ پیش از آن که رزمندگان آزادی ویتنامی سایگون را آزاد کنند تا چهار سال دیگر - اپریل ۱۹۷۵- ادامه یافت. تصاویر نیروهای امریکایی رها شده در بدنامی، چسبیده به هلی کوپترها در زمان پرواز آن ها از سقف سفارت امریکا، با آن چه ما اخیراً در کابل دیدیم مشابه است.

زمانی که به جنگ عراق رسیدیم، دنیای اطلاعات تغییر کرده بود. اطلاعات دیگر به شکل اوراق نبود. کپی ها هم کاغذی نبودند. دیجیتالی شدن اطلاعات به معنای آن است که حجم عظیمی از اطلاعات می تواند جمع آوری و ذخیره شود و در زمان واقعی جنگ برای هدف جنگ هم به لحاظ تنوع حرکت فزاینده اطلاعات و هم برای جنگ اطلاعاتی مورد استفاده قرارگیرد. قدرت کامل ایالات متحده، توان فن آوران و قدرت پول آن می تواند برای ساختن نه تنها ماشین جنگی امریکا بلکه برای آن چه ما اکنون دولت نظارتی می خوانیم به کار رود. نه صرفاً برای دخالت دولت در هر جنبه ای از زندگی ما، بلکه برای ایجاد دستان نامرئی جدید وزارت حقیقت. این یک جنگ اطلاعاتی است، یک نوع جنگی متمایز از روزگاری که السبرگ از اوراق پنتاگون نسخه برداری می کرد.

این جهانی است که آسانز دید و درک کرد. اگر السبرگ دنیای قدرت را شناخت، آسانز ماهیت متغیر چگونگی ساخته شدن مداوم اطلاعات در حجم انبوه، ذخیره کردن و ارسال آن از سوی دولت را شناخت. همان ماهیت فن آوری که اجازه نسخه برداری از اطلاعات را تقریباً رایگان می دهد، جریان اطلاعات را با به اشتراک گذاشته شدن و در معرض افکار عمومی قرار گرفتن آن آسیب پذیر می سازد.

اجازه دهید در این جا به چند عدد توجه کنیم. در زمان السبرگ، شاید چند صد، احتمالاً حداکثر ۱۰۰۰ نفر وجود داشتند که به اوراق پنتاگون دسترسی داشتند و می توانستند آن ها را با دست کپی کنند همان کاری که السبرگ انجام داد. سطح امنیتی او GS-18 بود، یک غیر نظامی هم ردیف یک سرجوخه، درجه ای بین جنرال ارشد و ستوان در ارتش بود. چلسی منننگ "متخصص" بود، رتبه ای معادل سرجوخه در نیروهای مسلح امریکا. این ماهیت تغییر در فن آوری است که امکان پذیر می سازد متخصصی با رتبه سرجوخه به هدفی در جنگ امریکا در عراق و افغانستان ضربه وارد کند. شما برای بستن پیچ و مهره زیرساخت اطلاعات جهانی به متخصصان فنی نیاز دارید. آن ها ممکن است درجه "پائینی" داشته باشند اما با خاصیت نزدیکی به اطلاعات در این ارتش بزرگ و شبکه های دیپلماتیک تحت حمایت دولت ها، دسترسی کاملی (به این اطلاعات) دارند. و کامپیوتر به مثابه ابزار نسخه برداری، برای کپی کردن اطلاعات ابزار بسیار قدرتمندی است و سرانجام، دیسک هائی که ما امروز داده ها را روی آن ها کپی می کنیم، از جمله فلش مموری های لمسی، می تواند صدها هزار صفحه را در خود ذخیره کند!

این آسانز و ویکی لیکس بودند که امکان رسیدن اطلاعات منننگ به دست مردم در سراسر جهان را فراهم ساختند. و حتی زمانی که او و منننگ دستگیر، زندانی و منزوی شده اند، اطلاعات روی ویکی لیکس هنوز به قابل دسترس بودن خود برای همه ما ادامه می دهد. حتی امروز، ویدیوی کشتار از هوا به زمین در بغداد، که در ویکی لیکس منتشر شد، در سراسر جهان دیده شده بود و در کشور مطرح شد که ایالات متحده دروغ گفته و در پنهان کردن جنایت های جنگی عظیم خود دست داشته است. تلگراف های دیپلماتیک روی ویکی لیکس به مردم تونس درباره حکومت دزد سالار خانواده بن علی اطلاعات داد و آنچه که بعداً بهار عربی خوانده شد آغاز گشت.

افشاء این واقعیت که مبارزه جزیره نشینان چاگوس (مجمع الجزایر چاگوس در اقیانوس هند- مترجم) در دادگاه بین المللی عدالت، به صورت غیر قانونی از سوی بریتانیا و ایالات متحده کنار گذاشته شد تا پایگاه بحری امریکا در دیه گوگاریا ایجاد شود، تاحدودی بر اساس اسناد ویکی لیکس بود. این تنها یک شکاف بسیار کوچک اطلاعاتی است که اکنون برای فعالان قابل دسترس است، و نمی تواند از اینترنت یا از حافظه ما پاک شود. همان طور که دولت نظارتی به تمام گوشه و کنار زندگی ما تجاوز کرده است، ضرورت آسیب شناسی دولت نظارتی برای دسترسی و ذخیره کردن تمام اطلاعات، دولت را هم نفوذ پذیر و آسیب پذیر می سازد.

آخرین نمونه این آسیب پذیری آن است که جک تیکسیرا نگرهبان هواپیمائی ملی به صورت قانونی به اسناد فوق سری پنتاگون و "سی آی ا" در اوکراین دسترسی داشت. او این اسناد را در یک Server سرور بازی خصوصی دیسکورد Discord نه برای هدف شریف متوقف کردن جنگ، بلکه صرفاً برای خودنمائی به اشتراک گذاشت. آیا این تنها افشاء کردن بود، آیا دیگران هم اسنادی را برای ایجاد ابهام درجنگ منتشر می کنند، این که این ها ترکیبی از افشاء کردن ها ، یا اطلاعات ذخیره شده هستند، حکایت دیگری است. آن چه برای این حکایت مهم است آن است که تیکسیرای کارمند هواپیمائی، با این که به کف رهبری در نیروی هوائی امریکا نزدیک است، اما به اسناد فوق سری، که معمولاً از سوی رده های بالای نیروهای مسلح و مقامات اطلاعاتی ایالات متحده امریکا دیده می شود دسترسی دارد. او عضو تیمی بود که شبکه مرکزی را اداره می کردند و یکی از ۱.۵ میلیون نفری بود که این سطح از دسترسی به اسناد را داشتند.

آری، ما امروز در یک نمایشگاه دوربین ها و ریزبین های دولت نظارتی قرار داریم که حاکمان ما می توانند به هر قسمتی از زندگی ما نگاه کنند. اما آن چه مننینگ و تیکسیرا به ما نشان می دهند آن است که همان فن آوری که به آنها اجازه می دهد به آن چه ما انجام می دهیم نگاه کنند برعکس آن هم کار می کند. مادامی که ما السیرگ، مننینگ و دیگران را داریم، آن ها هم برای ما قابل رؤیت هستند. همان طور که شلی شاعر انگلیس در ۱۸۱۹ پس از قتل عام پترلو نوشت، " ما بسیاریم، آن ها اندکند." این (واقعیت) در عصر دیجیتال هم تغییر نکرده است.

منبع: [جاناتا هفتگی](#)

[Why Julian Assange Is at the Vanguard for World Press Freedom](#)